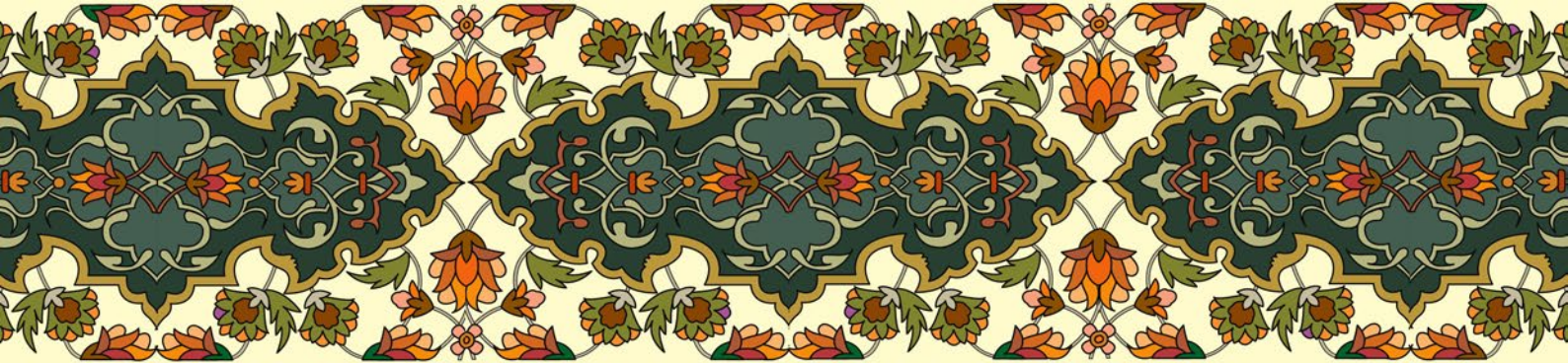




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



شماره: ۱۰۳

نویسنده: امید فریمانی

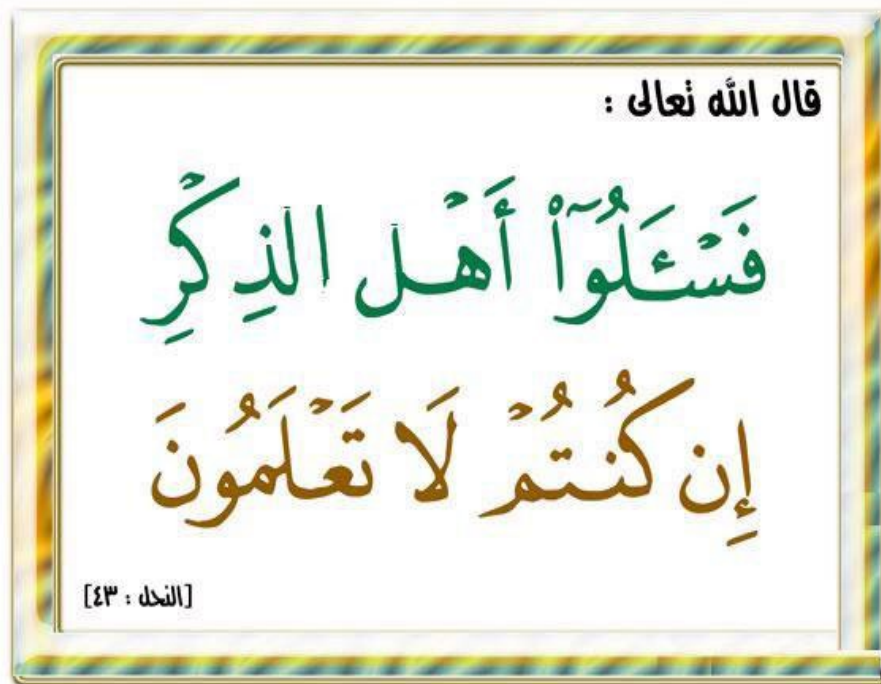
تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۲۳

موضوع: بررسی استدلال به آیهی ذکر به عنوان
یکی از ادلهی قرآنی جواز اجتهاد و تقلید در شیعه

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و
لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ بِرِسَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَرَجْنَا عَلَى حِفْظِ اللَّهِ تَعَالَى

بسم الله الرحمن الرحيم



در مقاله‌ی قبلی، برای درک بهتر استدلال به آیه‌ی ذکر در بحث اجتهاد و تقلید، به این پرسش‌ها پاسخ داده شد که اولاً مورد خطاب آیه چه کسانی هستند؟ ثانیاً موضوع سؤال در این آیه چیست؟ ثالثاً چه کسانی مصداق اهل ذکر در این آیه به شمار می‌روند؟ نویسنده در این مقاله قصد دارد که به بررسی اقوال موافقین و مخالفین و بنای استدلال آنان در استناد به آیه‌ی ذکر به عنوان یکی از ادله‌ی جواز تقلید و اجتهاد بپردازد تا هم ضعف بنای استدلال موافقین و هم مخالفت برخی علما با استناد به این آیه برای خوانندگان روشن شود.

۱. نظر موافقین استدلال به آیه‌ی ذکر برای اثبات جواز اجتهاد و تقلید

آمدی می‌نویسد: «این آیه عام است و همه‌ی مخاطبان را در بر می‌گیرد و لذا باید از جهت سؤال نیز عام باشد و پرسش از هر چه را که نمی‌دانند در بر گیرد که از جمله‌ی آن‌ها فروع دینی است.»^۱

۱. الإحكام في أصول الأحكام، ج ۴، ص ۴۵۱

خویی نیز در تنقیح خود می‌گوید: «آیه اطلاق دارد و غرض حصول علم نیست و غرض از آیه عمل به قول مجیب است و بعید است که آیه فرض علم آور بودن را شامل شود. بدین معنا که سؤال کنید تا علم حاصل شود و عمل کنید. در مشابهاً این سیاق نیز همین مطلب افاده می‌شود، مانند رجوع به اطبا و رجوع به متخصص و غرض این است که سؤال کنید تا عمل کنید و اینکه گفته است <لا تعلمون>، بحث از علم و دانایی است که اشکالی ندارد؛ زیرا فرض بر عدم علم است و موضوع آیه عبارت است از این فرض و اگر این عنوان نباشد بحث منتفی است. بنابراین، آیه شریفه دلالت می‌کند که افراد ناآگاه در مقام عمل باید به عالم و متخصص مراجعه کنند و این همان تقلید است.»^۱

اصفهانی نیز در خصوص استناد به این آیه برای جواز تقلید بیان می‌دارد: «ما می‌پذیریم که <إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ> این مطلب را می‌رساند که <فَسْأَلُوا> به معنای حصول علم است، ولی علم به چه چیزی؟ مقصود در اینجا علم به جواب است. یعنی پرسید تا آگاه از حرف آن‌ها شوید. در این صورت که علم به جواب باشد، دیگر مانعی پیش نیامده و منافاتی با حجیت فتوا ندارد و در واقع معنا به این صورت می‌شود که <اگر نمی‌دانید که اهل ذکر چه می‌گویند، از آن‌ها پرسید تا بدانید که اهل ذکر چه می‌گویند> و این مطلب که <بدانید که اهل ذکر چه می‌گویند> منافاتی با حجیت فتوا ندارد و حال آنکه برای عمل به فتوا انسان باید بداند که فقیه چه می‌گوید و حالا اگر الزامی هم در سیره‌ی علما نبود، قیدی هم که زده می‌شود این است که باید بدانی که اهل ذکر چه می‌گویند.»^۲

جعفر سبحانی نیز در استناد به آیه‌ی ذکر برای جواز اجتهاد و تقلید در بحث لزوم تقلید عامی از مجتهد در رساله‌ی اجتهاد و تقلید خود، به آیه‌ی ذکر به عنوان یکی از آیات قرآنی که به آن برای جواز اجتهاد و تقلید استناد می‌کنند اشاره می‌کند و در پاسخ به اشکالات وارده‌ی مخالفین بیان می‌دارد:

در استدلال به آیه سه اشکال شده است:

۱. برخی ایراد گرفته‌اند که خطاب آیه اصول عقائد و بالأخص نبوت پیامبر اسلام صلی الله

۱. موسوعة آية الله خویی، ج ۱، ص ۶۷

۲. گنجی، درس خارج اصول، جلسه ۱۰۹، مورخه ۱۶/۲/۹۴

علیه و آله و سلم است، بنابراین ارتباطی به سؤال در مسائل فرعی ندارد. پاسخ او به این ایراد این است که مورد آیه و به اصطلاح شأن نزول هیچ‌گاه مخصّص نیست و در مفاد آیه محدودیتی ایجاد نمی‌کند و قرآن کتاب همه‌ی اعصار و زمان‌ها است و آیه به حکم این که ناظر به حکم فطری است، می‌رساند که در هر موردی افراد ناآگاه مأمورند که در امور دینی از اهل علم بپرسند.

۲. در روایات، «أهل الذکر» به ائمه اهل بیت علیهم السلام تفسیر شده‌اند، یعنی لازم است که امت اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان مراجعه کنند و مرجع علمی مسلمانان آنان هستند. پاسخ او به این ایراد نیز این است که آیه از نظر معنی، وسیع و گسترده است و تفسیر آن به امامان اهل بیت علیهم السلام اشاره به مصداق اتم و اکمل است، نه مصداق منحصر و مسلماً اهل ذکر از نظر مصادیق در درجه‌ی واحدی نیستند، بلکه دارای درجات مختلفی هستند و چون مخالفان به این مصداق اکمل توجّه نداشتند، امامان اهل بیت علیهم السلام به این مصداق توجّه داده‌اند.

۳. غرض از سؤال، تحصیل علم است؛ چنانکه می‌فرماید: «إِن كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «اگر نمی‌دانید بپرسید». بنابراین، مورد آیه در جایی است که اگر بپرسیم یقین پیدا می‌کنیم و چنین چیزی جز در مورد خبر متواتر یا خبر محفوف به قرینه امکان‌پذیر نیست و قول مفتی مفید علم و یقین به حکم واقعی نیست. پاسخ او به این ایراد نیز این است که مراد از علم در این آیه علم منطقی که در مقابل ظن و وهم قرار می‌گیرد نیست، بلکه مراد از علم در این آیه و آیات مشابه، حجت است، هر چند ممکن است مفید علم نباشد، و فرض این است که قول مجتهد برای فرد عامی حجت شرعی است.^۱

محمد هاشم صالحی نیز می‌گوید: «عده‌ای گفته‌اند این آیه مبارکه نه دلیل بر حجّیت خبر واحد است و نه دلیل بر حجّیت فتوا. چرا؟ برای اینکه گفته سؤال کنید از اهل یهود و نصاری علائم نبوت را، مورد آیه علائم نبوت و اصول دین است، در اصول دین یقیناً ظن حجت نیست، بلکه باید علم پیدا شود و لذا آیه مبارکه به عوام یهود و نصاری می‌گوید اگر شما علائم نبی اکرم اسلام را نمی‌دانید، از علمای خود سؤال کنید تا علم پیدا کنید، اگر معنای آیه مبارکه این گونه باشد، این آیه نه دلالت بر حجّیت خبر دارد و نه دلالت بر حجّیت فتوا، اما اگر گفتیم که آیه مبارکه مطلق است، <لکلّ شیء بحسب مورد> اهل ذکر در باره علائم نبوت، علمای اهل کتاب است، اهل ذکر

۱. سبحانی، جعفر، رساله اجتهاد و تقلید، ج ۱، ص ۷۸-۹۱

درباره احکام شرعیه در زمان حضور ائمه علیهم السلام هستند، در زمان غیبت اهل ذکر علماست، پس اهل ذکر هر سه تا را شامل می‌شود... سؤال در اینجا از باب مقدمه‌ی واجب است نه اینکه خودش موضوعیت داشته باشد، یعنی مانند نماز صبح نیست که خودش واجب است و خودش فی نفسه موضوعیت دارد، ولی سؤال برای این واجب است تا مقدمه برای عمل باشد، وقتی سؤال کردن واجب شد، واجب است تقلید کردن، واجب است فتوای مجتهد را دانستن. وقتی من فتوای مجتهد را دانستم، آیا فتوای مجتهد بر من حجت است یا نه؟ حتماً حجت است، چون اگر حجت نباشد، وجوب سؤال بر من لغو است، یعنی با ملازمه‌ی عرفیه وقتی سؤال بر من واجب شد و من سؤال کردم و مجتهد هم جواب داد، باید جوابش بر من حجت باشد. ولی اشکال مهم این است که مورد آیه مبارکه راجع به علائم نبوت است و نبوت هم از اصول دین است نه از فروع دین، و در اصول دین قطعاً ظن حجت نیست، بلکه باید دلیلش دلیل قطعی باشد نه ظنی. پس از این معلوم می‌شود آیه که می‌گوید از اهل ذکر سؤال کنید، تا برای تان علم پیدا شود، از این جهت، این آیه مبارکه خیلی معلوم نیست که دلالت بر حجیت فتوای مجتهد داشته باشد، چون فرض این است که فتوای مجتهد برای عامی علم‌آور نیست، یعنی عامی یقین ندارد که فتوای مجتهد مطابق حکم واقعی است، بلکه احتمال خطا و اشتباه در آن راه دارد. این جهت که مورد آیه مبارکه موردش علائم نبوت است، فلذا دلالتش بر حجیت فتوا و همچنین دلالتش بر حجیت خبر واحد، قابل نزاع و قابل خدشه است.^۱

۲. نظر مخالفین استدلال به آیه‌ی ذکر برای اثبات جواز اجتهاد و تقلید

آخوند خراسانی می‌گوید برخی به دلایل زیر استدلال می‌کنند که فتوای مجتهد حجیت دارد: اولاً وجوب سؤال از اهل ذکر شامل فقها نیز می‌شود. وقتی علمای یهود اهل ذکر هستند، به طریق اولی علمای شیعه را نیز شامل می‌شود. کما اینکه سیاق آیه همین مطلب را می‌رساند. ثانیاً اینکه می‌گوید سؤال از فقها بکنید دلالت می‌کند بر اینکه جواب آن‌ها حجیت دارد و الا لغویت پیش می‌آید و امر به سؤال به دلالت اقتضا کشف از حجیت جواب می‌شود. ثالثاً این حجیت اطلاق دارد، جواب علما چه علم‌آور باشد و چه علم‌آور نباشد. یعنی ارجاع جاهل به عالم برای عمل است نه اینکه برای علم باشد پس فتوا نیز حجیت دارد.^۲

۱. به نقل از وبسایت مدرسه فقاہت

۲. همان

سپس پاسخ می‌دهد: جواب حجت است، ولی اطلاق ندارد که غیر علم را نیز شامل بشود و عمل در لسان که نیامده است و برای خروج از لغویت همین مقدار کافی است و از حیث عمل در مقام بیان نیست به قدر متیقن آن بسنده می‌کنیم و همان فرض علم‌آور بودن جواب است. خصوصاً که در ذیل آن آمده است که اگر نمی‌دانید و باز هم خصوصاً در جایی که مسئله از مسائل اعتقادی است و در آن‌ها نیاز به علم داریم.^۱

گنجی با استناد به استدلال آخوند خراسانی که قائل به این است که آیه در مورد علم است و در مصباح الاصول خود می‌گوید که سؤال از اهل ذکر قاعده‌ی کلیه است که در اینجا بر یک امر تاریخی وارد شده است و معرفت شرط است، چون از امور اعتقادی است. اما در بحث ما که تقلید است معرفت شرط نیست، همین نظر را داشته و سؤال اهل ذکر را انصراف به معرفت و علم دانسته است.^۲

شهیدی پور در خصوص استناد به آیه‌ی ذکر در جواز تقلید بیان می‌دارد: در مورد این آیه اشکالی که شده این است که ظاهر آیه «ان کنت لا تعلم فاسأل حتی تعلم» است و به عامی گفته شده است که در صورت ندانستن، سؤال کند تا علم پیدا کند. لذا آیه امر نکرده است که به قول اهل ذکر که همان فقیه است، تعبداً عمل شود. ممکن است در مورد اشکالی که مطرح شده بگویند وقتی به طبیب مراجعه می‌کنید و از او سؤال می‌کنید، این بدان معنا نیست که سؤال می‌کنید تا طبیب شوید، بلکه برای این سؤال می‌کنید که مورد پذیرش واقع شده و عمل شود. در مورد فقهاء هم وجوب سؤال به معنای این نیست که سؤال شود تا علم حاصل شود، بلکه به معنای این است که سؤال پرسیده شود تا بعد از شنیدن جواب طبق همان عمل شود. به نظر ما سیاق آیه با تعبد سازگار نیست؛ چون در صورتی که صرفاً تعبیر «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» وجود داشت، جا داشت که ادعا شود که از فقهاء سؤال شده و طبق جواب آنان عمل شود، اما در آیه بحث نبوت انبیاء است که مشرکین اشکال می‌کردند که به چه دلیل خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ملک قرار نداده یا همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ملک نفرستاده است که قرآن کریم آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ» را بیان کرده است که تمامی پیامبران انسان بوده و فرشته نبوده‌اند و در ادامه بیان کرده است که اگر نسبت به این امر تردید وجود دارد، از اهل ذکر سؤال شود. طبق این فرض بحث اصول دین است و با حجیت تعبدی قول اهل ذکر سازگار

۱. همان

۲. گنجی، درس خارج اصول مورخه ۱۴/۹/۹۶ به نقل از وبسایت مدرسه فقاها

نیست و ظهور در حجیت تعبدی قول اهل ذکر ندارد. بنابراین آیهی ذکر هم دلالت بر حجیت فتوا نخواهد داشت.^۱

حال که بنای استدلال موافقین و مخالفین را درک کردیم به بیان نظر حضرت علامه حفظه الله تعالی و تطبیق آن با مطالب فوق می‌پردازیم.

۳. دیدگاه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

حضرت علامه حفظه الله تعالی شأن نزول آیه را مخصّص آن نمی‌داند. از این رو، در تبیین مصداق اهل ذکر بر این نظر است که برای مسلمانان، <قدر متیقّن از «اهل ذکر»>، اهل بیت پیامبر هستند؛ چراکه «ذکر» در کتاب خداوند، به معنای پیامبر آمده؛ چنانکه فرموده است: **﴿قَدْ أُنْزِلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾** **﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ﴾**^۲؛ «خداوند به سوی شما ذکر نازل کرده است؛ پیامبری که آیات روشنگر خداوند را برایتان می‌خواند». بنابراین، «اهل ذکر» اهل پیامبر هستند؛ خصوصاً با توجه به اینکه امر به سؤال از آنان، بر حجّیت جواب آنان دلالت دارد و حجّیت جواب آنان، تنها در صورت طهارت آنان از هر گونه دروغ و انحراف معقول است، در حالی که خداوند تنها از طهارت اهل بیت خبر داده و فرموده است: **﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾**^۳؛ «خداوند تنها می‌خواهد که هر گونه آلائش را از شما اهل بیت بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند.»^۴ لذا به نظر می‌رسد که حضرت علامه حفظه الله تعالی در این فقره موافق با نظر عده‌ای^۵ است که سؤال را در این آیه برای عمل به آن انجام می‌دهند؛ چراکه سؤال از اهل ذکر با توجه به سیاق امری مزبور، دالّ بر حجّیت جواب برای پرسش‌کننده است، و الا طرح سؤال لغو و بیهوده است. همچنین ایشان بر خلاف برخی^۶ که عالمان مسلمان را نیز مصداق اهل ذکر دانسته‌اند، معتقد است که پاسخ عالمان مسلمان هرگاه با استناد آشکار به قرآن و احادیث قطعی اهل بیت باشد، حجّت است؛ چراکه در این صورت، سؤال از آنان، به منزله‌ی سؤال از اهل بیت است؛ مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که پیرو حقیقی اهل بیت است

۱. به نقل از وبسایت مدرسه فقهی امام باقر علیه السلام

۲. طلاق / ۱۰ و ۱۱

۳. احزاب / ۳۳

۴. پاسخ دفتر حضرت علامه حفظه الله تعالی در پاسخ به سؤال مبنی بر تعیین مصداق اهل ذکر در ۲۶ خرداد ۱۳۹۹

۵. رجوع شود به نظر خوبی و صالحی در این مقاله

۶. رجوع شود به نظر آخوند خراسانی و سبحانی در همین مقاله

و جز با استناد آشکار به قرآن و احادیث قطعی آنان جواب نمی‌دهد و با این وصف، هر کسی که از چنین عالمی سؤال کند، در واقع از اهل بیت سؤال کرده است. مضاف بر اینکه این نظر به معنای پذیرش تقلید به معنای مصطلح امروزی و حجیت فتوا نیست، بلکه پذیرش قول عالمان تنها در صورتی واجب است که موجب علم شود و آن هنگامی است که با استناد آشکار به دلیل قطعی باشد، در حالی که متأسفانه این رویکرد نه در بین علمای شیعه و نه مقلدینشان یافت نمی‌شود.

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «دل‌نویسته‌ای برای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی»
۲. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی تمسک به بنای عقلا در نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و قائلان به جواز اجتهاد و تقلید در شیعه»
۳. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در خصوص مصادیق اهل ذکر و مقایسه‌ی آن با نظرات مفسرین فریقین»
۴. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی ویژگی‌های دنیا در کلام امام علی علیه السلام و کلام علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی»



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منشورهای شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.